

بررسی تطبیقی مسأله علم الهی از نگاه امام سجاد (ع) و قرآن کریم

عزیز علی زاده سالطه^۱

پریوش علیزاده^۲

چکیده

از دیدگاه قرآن کریم، خداوند عالم مطلق بوده و هیچ ذره‌ای از حیطة آگاهی او بیرون نیست و به این مسأله در آیات مختلف تصریح کرده است. به تبع آن متفکران و صاحب نظران نیز پیرامون علم الهی سخنان فراوانی گفته‌اند. اما از آنجایی که اهل بیت (ع) به عنوان مفسران حقیقی قرآن به مقاصد کتاب الهی واقف‌اند و جدایی بین آنان و قرآن قابل تصور نیست؛ سعی کرده‌ایم از باب نمونه، نگاه امام سجاد (ع) را در این باره مطرح کرده و در حد امکان به شیوة توصیفی- نقلی به تطبیق سخنان ایشان با آیات الهی پردازیم. آنچه از سخنان آن حضرت در این باره به دست می‌آید این است که ایشان درباره علم بعد از ایجاد، سخنان فراوان و در جنبه‌های مختلف داشته و درباره مرتبه قبل از ایجاد هم در موارد متعددی مطالبی فرموده‌اند. اما، به مانند قرآن کریم، درباره علم خدا به ذات خویش مطلبی بیان نشده است. از دیدگاه آن حضرت، خداوند، عالم را بدون هیچ الگو و سابقه‌ای آفریده و براساس اندازه‌گیری دقیق در پهنه هستی گسترده است. بعد از وجود یافتن هم بر آنها احاطه داشته و حساب همه را دارد. این چیزی است که در قرآن کریم هم مصادیق فراوانی در مطابقت این سخنان می‌توان یافت.

واژگان کلیدی

علم الهی، امام سجاد (ع)، قرآن کریم.

۱. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: azizalizadeh0886@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم و معارف نهج البلاغه، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Email: palizadehptf@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

طرح مسأله

امام سجاد (ع) بعد از دورهٔ اسارت و مراجعت به مدینه به جهت وضعیت اختناق، فشار و تهدید با کسی غیر از خواص شیعه تماس نداشتند و از طریق آنان، معارف قرآن و اهل بیت (ع) را در میان شیعه نشر می‌دادند. و برای حفظ اسلام، زبان دعا را برای این منظور انتخاب کردند و در قالب دعا، دقیق‌ترین معارف الهی را بیان کردند. از جملهٔ این مسائل، بحث علم الهی است که از دیرباز و به خصوص بعد از ظهور اسلام محل بحث و نظر بوده است؛ به گونه‌ای که هر یک از متفکران گاهی آراء متعارض با دیگری در این باره داشته‌اند. اما در قرآن کریم این بحث به گونه‌ای مطرح شده است که جای ابهامی برای هیچ کس در گستردگی علم الهی و ظرافت و دقت آن باقی نمی‌گذارد. ائمه معصوم (ع) هم که از همه بیشتر به قرآن کریم واقف‌اند انتظار می‌رود که بیشترین مطابقت را با کلام الهی داشته باشند.

آنچه در این تحقیق مدنظر است این است که بدانیم امام سجاد (ع) به عنوان فردی از اهل بیت (ع) و امام معصوم که مورد تأیید خود قرآن هم هستند چگونه در مسأله علم الهی سخن رانده‌اند؟ و چه مسائلی را در این باره مورد توجه قرار داده‌اند؟ آیا مواردی وجود دارد که در نحوهٔ تبیین مسألهٔ علم الهی مباینتی بین سخنان ایشان و قرآن کریم وجود داشته باشد یا نه؟ اینها و مسائل دیگر مواردی هستند که در ضمن مقاله بدان خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

دربارهٔ علم الهی و جنبه‌های مختلف آن در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد و در کتب مختلف تفسیری و روایی به زوایای مختلف آن پرداخت شده است. اما آنچه از امام سجاد (ع) در این باره به ما رسیده است بیشتر در قالب ادعیهٔ صحیفه و برخی ادعیهٔ دیگر می‌باشد. هر چند شروح مختلفی هم بر آنها نگاشته شده است اما اکثر آنها توضیح چندانی پیرامون این مسأله نداده‌اند. به علاوه، مقالات و کتاب‌هایی هم که دربارهٔ علم الهی نوشته شده‌اند اکثراً در باره علم الهی از نظر فلاسفه و مقایسه نظر آنان با قرآن بوده است. با این حال مقالات و پایان‌نامه‌هایی وجود دارند که به مقایسه امام سجاد (ع) و قرآن کریم در

- مسائل مختلف و گاهی مسأله علم الهی پرداخته‌اند، که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:
- ۱- مقاله «بررسی روابط بینا متنی قرآن کریم و دعای ابو حمزه ثمالی»، نوشته کاظم حریف و صاحب علی اکبری، مجله آموزه‌های قرآن و عترت سال ۱۴۰۰ شماره ۶
 - ۲- مقاله «بررسی تجلی قرآن در دعای عرفه امام سجاد (ع) بر اساس نظریه بینامتنیت»، نوشته امید جهانبخش، همایش بین المللی امام سجاد (ع)، مجموعه مقالات، جلد سوم.
 - ۳- مقاله «تجلی مفاهیم آیات در دعای مکارم الاخلاق»، نوشته طاهره سادات نعیمی، نشریه بینات، شماره ۶۸.
 - ۴- مقاله «تحلیل استادهای قرآنی امام سجاد (ع) در مناظرات شام»، نوشته محمد رنجبر حسینی و حانیه خطیبی مقدم، نشریه آیت بوستان، دوره ۵، شماره ۱۹، سال ۱۳۹۹.
 - ۵- مقاله «خوانشی از اقتباس‌های قرآنی در صحیفه سجادیه» (مطالعه موردی دعای اول تا هفتم)، نوشته فتحیه فتاحی زاده و دیگران، نشریه پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۲۹، سال ۱۳۹۸.
 - ۶- پایان نامه «بررسی رابطه محتوایی قرآن و صحیفه سجادیه» (۶ فراز ابتدایی دعای ۴)، استاد راهنما: علیرضا زکی زاده، دانشجو: سمیه قربانی، دانشکده معارف قرآنی اصفهان، سال ۱۳۹۴.
 - ۷- مقاله «تحلیل روابط بینامتنی علم الهی در قرآن کریم و صحیفه سجادیه»، نوشته صالح سعیدی و دیگران، مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، بهار و تابستان شماره ۱، سال ۱۳۹۹.
 - ۸- مقاله «بینا متنی دعای ۵۰ صحیفه سجادیه و قرآن»، نوشته کیوان احسانی و نوال حزباوی، نشریه مطالعات قرآنی دوره ۱۳، شماره ۵۲، سال ۱۴۰۱. و غیره.
- چنان که ملاحظه می‌کنیم اکثر بحث‌ها در منابع فوق به بررسی ادبی و بینامتنی میان صحیفه سجادیه و قرآن کریم و به صورت موردی پرداخته‌اند و با موضوع مورد بحث در این مقال کاملاً تفاوت دارند و از این جهت مطالب این نوشتار یک کار جدید و بدیعی در این زمینه محسوب می‌شود.

۱- مفسران حقیقی قرآن کریم، امانان هستند:

همان طور که می‌دانیم، قرآن کریم با وجود نورانیت و روشنگر بودن، نیاز به تفسیر داشته و بدون آن برای عموم قابل ادراک نیست. براساس آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع/ ۷۹) علم مربوط به فهم معارف عالیة قرآنی درجه اول اختصاص به معصومین (ع) داشته و در مراتب بعدی هم کسانی می‌توانند از عهده آن برآیند که برای بهره‌وری از معارف قرآن، به اهل بیت (ع) مراجعه کنند.

در اثبات مطلب فوق باید گفت که براساس گفته‌های مفسران (طباطبایی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۹، ص ۱۵۶؛ جوادی آملی؛ ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۴) منظور از «مس» و لمس قرآن کریم، در یک معنای دقیق همان علم به معارف قرآن است و منظور از «مطهرّون» هم اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند؛ چرا که در سوره احزاب به صراحت آمده است که «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْكِتَابِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳).

براساس این آیه خداوند هر گونه آلودگی را از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) دور کرده و آنها را به پاکی رسانده است (طبرسی، بی تا، ج ۸-۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۳۲۸ به بعد). پس اگر علم به معارف در درجه اول اختصاص به صاحبان طهارت و پاکی داشته و اهل طهارت هم شامل اهل بیت پیامبر (ص) باشد، معلوم می‌شود که تفسیر و دسترسی به معارف والای قرآن خاص خاندان عصمت و پاکی است. از دیگران هم اگر مستند به اهل بیت (ع) بوده و شرایط خاص آن در تفسیر رعایت شود پذیرفته خواهد بود.

در این زمینه و در تأیید مطلب فوق فرمایش ائمه معصومین (ع) و از جمله امام سجاد (ع) فصل الخطاب بوده و روشنگر مسأله خواهد بود. ایشان در صحیفه سجادیه در دعایی می‌فرمایند: «خدا یا! تو این کتاب را بر پیامبر خود محمد - که درود خدا بر او و دودمانش باد - به اجمال فرو فرستادی، و دانش شگفتی‌ها و حقایق مکتوم آن را در نهایت کمال، بر او الهام فرمودی، و دانش تفسیر قرآن را به ما میراث دادی، و ما را بر کسی که حقایق و اسرار آن را نمی‌داند و به فهم آن نادان است، فضیلت بخشیدی...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۸۸). بنابراین حقیقت قرآن کریم توسط مطهرّون یعنی اهل بیت پیامبر (ص) قابل دسترسی و لمس است و ما هم با نزدیک شدن به ائمه (ع) به قرآن

نزدیک می‌شویم.

۲- ائمه معصومین (ع) نور واحد هستند.

قرآن کریم در ذات خود یک حقیقت واحد بوده و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد. چنان که می‌فرماید: «... وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۲). اصل و باطن اولیاء معصوم هم قرآن است، و خود معصومین هم در این مورد که همه دارای یک حقیقت نوری واحد هستند می‌فرمایند: خلق و ایجاد ما واحد و علم و فضل ما واحد و همه ما در نزد خداوند تعالی واحدیم. بعد راوی از تعداد امامان از امام صادق (ع) سؤال می‌کند، حضرت می‌فرماید: «هر دوازده نفر ما در چنین شرایطی از اول خلقت مان در اطراف عرش پروردگارمان قرار داریم، و اول ما محمد است و بین ما محمد است و آخر ما نیز محمد است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۶۳).

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «اشْهَدُ ... أَنَّ اِرْوَاْحَكُمْ و نورکم و طینتکم واحدٌ طابَتْ و طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ...» (قمی، ۱۳۸۵، ص ۹۰۲). بنابراین معصومین (ع) عین یکدیگر بوده و از حقیقت واحدی برخوردارند.

۳- قرآن و ائمه (ع) از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

پیامبر اکرم (ص) در حدیث ثقلین می‌فرمایند: «همانا در بین شما دو چیز وزین و گرانبها قرار دادم مادامی که به این دو تمسک بجوید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید و یگی بزرگتر از دیگری است: قرآن، کتاب خدا که ریسمانی است کشیده شده از آسمان تا زمین و عترت و اهل بیت من، بدانید که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا این که در حوض کوثر بر من وارد شوند» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ص ۱۰۶).

براساس نظر مفسران (رک، جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۰) جدایی ناپذیری ثقلین به معنای عدم انفکاک امامت و وحی قرآنی از یکدیگر است؛ امامان (ع)، مبین و مفسر قرآن کریم و شارح جزئیات و تفصیل و نحوه اجرای کلیات آن هستند و قرآن نیز انسان‌ها را به معصومین (ع) ارجاع و به سنت آنان بها می‌دهد. بنابراین پیامبر اکرم (ص) در این حدیث تأکید دارند که قرآن و عترت به هیچ وجه از هم جدایی ندارند و این هم‌بدان

معناست که قرآن کریم همواره به مفسر و تبیین‌نیاز دارد؛ تبیین‌کنندگانی که در ظاهر و باطن و غیره بیشترین شباهت را با رسول خدا (ص) دارند.

۴- سخنان قرآن و ائمه (ع) کاملاً با هم سازگارند.

به شهادت اهل بیت (ع) آیات الهی مفسر و مصدق یکدیگر هستند؛ آنجا که می‌فرمایند: «و ان القرآن لم ينزل ليكذب بعضه بعضاً و لكن نزل يصدق بعضه بعضاً» (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸) و یا علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعض» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹، ص ۳۰۹).

لذا آیات قرآن با یکدیگر قابل تفسیر و تبیین هستند. و از طرف دیگر هر یک از قرآن و عترت بر حقایق یکدیگر گواهی می‌دهند؛ آنجا که پیامبر (ص) می‌فرماید: «يشهد الثقل الأكبر بالثقل الأصغر و يشهد الثقل الأصغر بالثقل الأكبر» (قمی، ۱۴۰۲، ق، مجله ۱، ص ۵۰۱). قرآن نیز پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را تبیین‌کننده و مفسر حقایق موجود در آن معرفی می‌کند، و می‌فرماید: «... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ...» (نحل / ۴۴). بنابراین هیچ‌نحو‌ناسازگاری، نه در بین آیات و نه در میان قرآن و اهل بیت (ع)، قابل تصور نیست و این دو با هم و همسو به نقش هدایت‌گری خود می‌پردازند.

۵- دیدگاه قرآن درباره علم الهی (به نحو کلی)

با توجه به آنچه که گفته شد هماهنگی و مطابقت گفتار قرآن کریم و اهل بیت (ع) با یکدیگر امری روشن و غیرقابل تردید است. اما از آنجایی که در این بحث مقصود، مقایسه این هماهنگی در مسأله علم الهی است، سعی می‌کنیم دیدگاه و بیان قرآن را در این زمینه به نحو کلی و به اختصار آورده و در قسمت بعدی با تبیین دیدگاه امام سجاد (ع) در مراتب مختلف علم الهی این هماهنگی را هر چه بیشتر به تصویر بکشیم.

قرآن مجید بیان می‌دارد که خداوند به همه موجودات آگاهی و علم دارد و در این باب آیات فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها از باب نمونه اشاره می‌کنیم:

۱-۵- آیاتی که به طور مطلق، به علم و حکمت الهی اشاره دارند.

«... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء / ۱۱ و ۲۴)

«... وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا» (احزاب / ۵۱)

۲-۵- آیاتی که علم و آگاهی خداوند را نسبت به هر چیزی جاری می‌دانند.

«... وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۹)

«... وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۸۲)

«... إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء / ۳۲)

۳-۵- آیاتی که علم خدا را به هر چیز به نحو دقیق و ریز جاری می‌دانند.

«... وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَشْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام / ۵۹)

«... إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَآذَا

تَكْسِبُ عَدَا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (لقمان / ۳۴)

۴-۵- آیاتی که به علم خدا به اسرار و باطن انسان‌ها اشاره دارند.

«... أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت / ۱۰)

«... وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا» (احزاب / ۵۱)

«... أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَى وَ رُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ» (زخرف / ۸۰)

۵-۵- آیاتی که علم خدا را به افعال انسان جاری می‌دانند.

«... وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۷۳).

«... وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۸۳)

«... إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (نور / ۳۰)

۶-۵- آیاتی که به علم قبل از آفرینش الهی اشاره دارند.

«... إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه / ۲۹)

«... وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا

وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۳۰)

« أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ » (ملک/ ۱۴)

این آیات و دهها آیه دیگر به ابعاد و جنبه‌های مختلف علم الهی پرداخته‌اند و امکان پرداختن به همه آنها در اینجا میسر نیست. اگر اضافه کنیم که بنیایی و شنوایی یا سمیع و بصیر بودن خداوند، عنایت و نیز قضا و قدر علمی خداوند به نوعی به علم خداوند بر می‌گردند، آنچه که در آیات مختلف درباره علم الهی آمده است بسی بیشتر خواهد بود.

۶- دیدگاه امام سجاد (ع) درباره علم الهی

علم خداوند را می‌توان به سه صورت تصویر کرد:

الف) علم به ذات

ب) علم به موجودات و مخلوقات قبل از آفرینش آنها

ج) علم به موجودات و مخلوقات بعد از آفرینش آنها

۶-۱- علم خداوند به ذات خود

در قرآن کریم و در سخنان امام سجاد (ع) درباره علم خداوند به ذات خود سخنی نیامده است، هر چند که در این باره دلایل عقلی محکم وجود دارد. با این حال می‌توان از اطلاق علم الهی در سخنان امام سجاد (ع) و نیز قرآن کریم، به نحو ضمنی اثبات کرد که این مرتبه از علم نیز در بیانات آنان مطرح شده است. آنجا که می‌فرماید: «و انت الله لا اله الا انت، الرحمن الرحیم، العلیم الحکیم» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱) و یا «یا علیم یا خبیر» (قیومی اصفهانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۳۶۴).

نظیر همین سخنان در قرآن کریم هم وجود دارد، آنجا که می‌گوید: «...إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء/ ۳۵) و یا «... وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره/ ۲۹) و ... اما مقصود ما در اینجا بیان سخنان و یا آیاتی است که به نحو مستقیم اشارت داشته باشند.

۶-۲- در علم خدا به موجودات و مخلوقات قبل از آفرینش آنها

۶-۲-۱- دیدگاه و سخنان امام سجاد (ع) در این باره: از دیدگاه امام سجاد (ع)، خداوند قدیم‌الوجود بوده و بقیه موجودات حادث‌اند؛ آنجا که می‌فرماید: «و انت الله لا اله الا انت، السميع البصیر، القدیم الخبیر» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱). خداوند به مخلوقات، قبل از آفرینش آنها علم داشته و مقدرات آنها را از پیش معلوم کرده و براساس

همان مصلحت و قضای خویش در عرصه وجود گسترده است و در این باره در ادعیه و سخنان گهربار خویش در مواضع مختلفی سخن گفته است. در زیر به چند نمونه از آن سخنان اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۶- بیان نمونه‌هایی از سخنان امام سجاد(ع) در این باره

نمونه ۱: «تویی که هر چیزی را بدان گونه که در خور آن بود، با اندازه‌گیری سنجیدی، و هر چیزی را برای کاری که باید، به راه انداختی و ماسوا را چنان که سزاوار بود به نظم آوردی» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲).

نمونه ۲: در فقراتی از زیارت امین‌الله هم می‌فرماید: «اللهم فاجعل نفسی مطمئنه بقدرک راضیه بقضائک» (قمی، ۱۳۸۵، ص ۵۹۷).

نمونه ۳: «[خدایا] بهترین سرنوشتی را که در ازل [برایم] نگاشتی، از تو می‌خواهم، و از سرنوشت و فرجام بد که در پیش [برایم] مقرر کرده‌ای به تو پناه می‌برم (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۴۲۱).

نمونه ۴: «خدایا به آگاهی‌ات [از فرجام کارها] از تو خیر و نیکی می‌طلبم، پس بر محمد و دودمانش فرست، و درباره‌ام بهترین را مقرر فرما، ما را از حکمت‌گزینش نیکوتر، آگاه کن، و آن را وسیله‌ی رضا و خشنودی ما از تقدیر و تسلیم ما در برابر فرمان خود، قرار ده... [خدایا] از حکم و قضای تو آنچه را که ناخوش می‌داریم، محبوب ما گردان، و از فرمان تو آنچه را سخت و دشوار می‌بینیم، بر ما آسان گردان و گردن نهادن به آنچه که بر وفق مراد توست، بر ما الهام کن، تا تأخیر آنچه را که شتاب آن را اراده کرده‌ای و شتاب آنچه را که تأخیر آن را خواسته‌ای دوست نداریم...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴).

نظیر این سخن را آن حضرت از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۸۰).

نمونه ۵: امام (ع) در یک حدیثی علم سابق الهی را چنین توصیف می‌کند: «ان الله عزوجل خلق العقل من نور مخزون مکنون فی سابق علم الذی لم یطلع علیه نبی مرسل و لا ملک مقرب...» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، مجلد ۲-۱، ص ۴۲۶؛ و نیز شریف قریشی، ۱۳۷۲،

ج ۲، ص ۱۶-۱۵).

۲-۱-۲-۶- نتیجه عقیده به قضا و قدر الهی از دیدگاه امام سجاد (ع)

آن حضرت بعد از اقرار به قضای علمی و تقدیر سابق خداوند، از او می‌خواهد ایشان را بر پایداری به قضا و قدر الهی و استقبال از تقدیر و سرنوشت خود، موفق بدارد. ایشان می‌فرمایند: «خدا را می‌ستایم، در حالی که به حکم و قضایش دل می‌سپارم. بر این حقیقت گواهم که خدای تعالی، مایه‌های زیست بندگانش را بر هندسه عدالت قسمت فرمود، و به همه آفریدگانش، بی‌استحقاق، به آیین احسان، روزی داد ... و مرا بر آنچه بر بندگانت ارزانی داشته‌ای فریفته مساز، و آنان را به نعمتی که از من باز داشته‌ای، مفتون مگردان، تا بر آفریدگانت حسد ورزم و تقدیر تو را سبک شمارم. خدایا بر محمد و دودمانش درود فرست، و مرا به قضا و قدر خود، دل خوش دار، و سینه‌ام را به آنچه مقدر کرده‌ای، گشاده و فراخ گردان، و مرا بدین تقدیر، اعتمادی بخش تا به این حقیقت که قضای تو جز بر اساس خیر و مصلحت جاری نمی‌گردد، اذعان کنم.» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰).

۳-۱-۲-۶- مقایسه و تطبیق سخنان امام (ع) و قرآن در این باره.

اینها همان چیزهایی هستند که در آیات مختلف نیز به آنها اشاره شده است. از جمله :

« مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ » (حدید / ۲۳-۲۲).

۲-۲-۶- تطبیق سخنان امام (ع) با قرآن کریم درباره علم قبل از ایجاد خداوند

با توجه به فرمایشات امام سجاد(ع) درباره علم سابق الهی و تقدیر امور جهان از قبل از آفرینش آنها معلوم می‌شود که سخنان ایشان در واقع به نوعی برگرفته از آیات قرآن کریم و مطابق با آنها است؛ چرا که خداوند در آیات مختلف به این مسأله چنین اشاره می‌کند:

۱-۲-۲-۶- « أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ » (ملک / ۱۴).

در توضیح این آیه باید گفت که علم خداوند به مخلوقات، پیش از آفرینش مستند به

دلایلی است که یکی از این دلایل، وجود نظم و تدبیر در موجودات عالم است؛ چرا که اگر موجودی به قوانین و پیچیدگی‌های این عالم جاهل باشد نمی‌تواند چنین نظم شگفت‌انگیزی را پدید آورد. پس خدایی که این جهان را آفریده است حتماً به آن علم داشته است.

۲-۲-۲-۲- «... إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون» (جائیه / ۲۹)

در تبیین این آیه از امام رضا (ع) نقل شده است که وقتی از ایشان سؤال شد که آیا خداوند چیزی را که هنوز ایجاد نشده است می‌داند که چگونه خواهد بود و یا اینکه بعد از وجود یافتن، به آن علم پیدا می‌کند؟ فرمودند: خداوند متعال قبل از پدید آمدن اشیاء به آنها علم دارد (رک به مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴-۳، ص ۷۹ و ۷۸).

۲-۲-۳- آیاتی که در آن به تقدیر امور اشاره کرده و می‌فرماید:

«وإن من شيء إلا عندنا خزائنه وما ننزله إلا بقدر معلوم» (حجر / ۲۱)

«... قد جعل الله لكل شيء قدراً» (طلاق / ۳)

«والذی قدر فهدی» (اعلی / ۳) و ...

در برخی از این آیات به قضای علمی و قبل از ایجاد و در برخی دیگر نیز به قضای فعلی و بعد از ایجاد اشاره شده است. خداوند در این آیات نشان داده است که اندازه‌گیری همه چیز قبل از خلقت و تعیین حدود و کیفیت آن به دست خداوند است و همه را از قبل مشخص می‌کند. امام سجاد (ع) نیز با عبارات «انت الذی قدرت کل شیء تقدیراً...» و غیره به همین مرتبه از علم خداوند اشاره دارد.

۲-۲-۴- «کتب علیکم القتال وهو کره لکم وعسی أن تکرهوا شیئاً وهو خیر لکم

وعسی أن تحبوا شیئاً وهو شر لکم والله یعلم و أنتم لا تعلمون» (بقره / ۲۱۶).

علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌نویسد که این آیات علم الهی به نحو

مطلق و نفی علم از دیگران به طور مطلق است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۷۴).

امام سجاد (ع) هم به همین مضمون می‌فرماید که «حببنا ما نکره من قضائک ...

حتى لا نحب تأخیر ما عجلت ولا تعجیل ما أخرت..» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴).

۳-۶- در علم خدا به مخلوقات بعد از ایجاد

۱-۳-۶- خداوند عالم مطلق است

آن حضرت به علم مطلق خدا و احاطه او بر همه چیز اشاره داشته و می‌فرماید: «دانش هیچ چیزی از او پنهان نیست و او بر همه چیز فراگیر است و او بر هر چیزی نگهبان است» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱).

یا «تویی که همه چیز را شماره کرده‌ای، و برای هر چیزی فرجامی نهاده‌ای، و هر چیزی را بدان گونه که در خور است، به رشته تقدیر و اندازه در آوردی» (همان؛ ص ۳۴۲). در جای دیگر می‌فرماید: «و سپاس خداوندی را است که ... هیچ چیز هر چند ظریف و خرد باشد. از نظرش پنهان نمی‌ماند» (همان، ص ۵۹).

گفته شده است مردی به خدمت امام (ع) می‌رسد و از آن حضرت درباره دعوت به دینداری سؤال می‌کند و امام (ع) به او می‌فرماید: «ترا به سوی خدا و دین خدا دعوت می‌کنم، و اینها در دو چیز جمع شده است: نخست شناخت خدای تعالی و دیگری عمل کردن بر طبق رضای او، و همانا شناخت خدا آن است که او را به یکتایی و رأفت و مهربانی، و علم و توانایی ... بشناسی، کسی که چشم‌ها او را نمی‌بیند و او چشم‌ها را می‌بیند و او مهربان و بسیار داناست ...» (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ج ۶، ص ۱۴۲؛ شریف قریشی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۶۲).

در قرآن کریم هم در آیات متعددی به علم مطلق و فراگیر خداوند اشاره است از

جمله:

«... وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۹)

«...إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا» (نساء / ۳۳)

«...وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا...» (اعراف / ۸۹)

«أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ

يَسِيرٌ» (حج / ۷۰)

«...وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَٰلِكَ

وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس / ۶۱)

۲-۳-۶- بیان امام (ع) درباره علم خدا به صورت مفصل (به اسم و رسم)

از آن حضرت در ملحقات صحیفه دعایی به این مضمون نقل شده است: «... سبحانک تسمع و تری ما تحت الثری، سبحانک انت شاهد کلّ نجوی، سبحانک موضع کلّ شکوی، سبحانک حاضر کل ملاء، سبحانک عظیم الرجاء، سبحانک تری ما فی قعر الماء، تسمع انفاس الحیتان فی قعور البحار، سبحانک تعلم وزن السماوات، سبحانک تعلم وزن الأرضین» (ملحقات صحیفه، دعای یک؛ به نقل از قیومی اصفهانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۵۲).

در جای دیگر می‌فرماید: «ای آن که اسباب حرکات و حوادث سکون‌ها را می‌داند و خطورات ذهنی و خیال‌ها از دید او پنهان نمی‌باشد.» (انجیلیّه بزرگ، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۵۳ به بعد؛ به نقل از قومی اصفهانی، ۱۴۱۹ ق ج ۱، ص ۱۷۲).

قریب به مضامین بالا و در یک عنوان کلی‌تر، در آیات قرآن کریم خدا عالم به آسمان‌ها و زمین و آنچه که در آنهاست معرفی می‌شود که تعدادی از این آیات به قرار زیر هستند:

«يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْعُفُورُ (سبأ/۲).»

«...عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (سبأ/۳)»

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (انعام/۵۹)»

۲-۳-۶- بیان امام (ع) درباره نزدیکی خداوند به انسان‌ها

ایشان در قسمتی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده می‌فرماید: «تو به ما نزدیک هستی و نیازها را بر می‌آوری و هر آواز و فریادی را می‌شنوی و از آنچه در نهان است آگاهی...» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰؛ و نیز شریف قریشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۴).
یا درباره شرم و حیای از خداوند به خاطر نزدیکی او به انسان می‌فرماید: «استح من الله لقر به منک» (شریف قریشی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۰۲).

در این باره آیات متعددی وجود دارد از قبیل:

- «...وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران / ۱۲۱)

- «...إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ» (سبأ / ۵۰)

۴-۳-۶- آگاهی خداوند از راز دل‌ها

امام (ع) درباره آگاهی خداوند از باطن انسان‌ها و اسرار دل آنها در سخنان متعددی به این امر اشاره داشته، می‌فرماید:

«یا من یعلم ضمیر الصامتین ... و ما تخفی الصدور ... قد تری مکانی و تسمع کلامی و تعلم حاجتی ...» (المزار الکبیر، ص ۶۱؛ به نقل از قیومی اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷۴۲-۷۴۳).

«اللهم و قد ترانی و وقوفی و ذلّ مقامی بین یدیک، و تعلم سر یرتی و تطّلع علی ما فی قلبی، و ما یصلحُ به امر آخرتی و دنیای.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۷، ص ۲۳۶؛ و نیز قیومی اصفهانی، ج ۱، ص ۶۷۶).

- «یا عالم السرّ و النجوى» (صحیفه الثالثه، ص ۳۰، به نقل از منبع فوق، ص ۲۱۲).
در علم خدا به اسرار دل‌ها و پوشاندن آنها می‌فرماید: «علمت فخبرت، و حلّمت فسترت ... بینت الغیوب فخبرت مکنون اسرارها و حلّت بین القلوب و بین تصرفها علی اختیارها ... اللهم انی اشهدک و انت اقرب الشاهدین.» (انجیلیه بزرگ، همان، ص ۱۵۳ به بعد؛ به نقل از منبع فوق، ج ۱، ص ۸۸).

نظیر همین عبارات در جاهای دیگر به وفور یافت می‌شود (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۴۶ و ۴۵، قمی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶).

در آیات قرآن کریم هم در این رابطه آیاتی وجود دارند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- «وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ...» (ملک / ۱۳).

- «...أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت / ۱۰).

- «... وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا» (احزاب / ۵۱).

- «...وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ...» (انفال / ۲۴).

۵-۳-۶- آگاهی از خداوند از افعال انسان‌ها

از این مورد امام زین‌العابدین (ع) با آوردن مصادیق مختلفی از افعال انسان، از قبیل افعال خوب، بد، حرکات چشم، دعا‌های انسانها و ... علم و آگاهی خدا در همه این موارد به نحو تام داشته و بیان می‌دارند که چیزی از افعال انسان از دید خدا مخفی نیست. در زیر به تعدادی از این سخنان اشاره می‌کنیم:

-خدا ریز و درشت اعمال را ثبت می‌کند: «اللهم وقد أشرفَ على خفایا الأعمال علمُك...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۴۲).

-خدا به افعال خوب و بد انسان‌ها آگاهی دارد.

امام (ع) در این باره می‌فرماید: «پدرم از پدرش شنیده که فرموده است: کارهای آدمی بر سه نوع است: واجبات، فضیلت‌ها و گناهان. اما واجبات به فرمان خدا و رضای او و به قضا و قدر و مشیت و علم حق تعالی انجام می‌گیرد. اما گناهان به فرمان الهی صورت نمی‌گیرد بلکه به قضا و تقدیر خدا و مشیت و علم او انجام می‌گیرد و سپس آدمی براساس آن مجازات و کیفر می‌شود» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، مجلد ۲-۱، ص ۱۸۶؛ نیز شریف قریشی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۴).

در جای دیگر می‌فرماید: «هر چه از انسان صادر می‌شود خداوند می‌داند، خدایی که هیچ ذره کوچکی در زمین و آسمان بر او پوشیده نیست ولی بندگان را بر هیچ عملی از اعمال خیر و شر مجبور نمی‌کند.» (شریف قریشی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۵ و ۳۴).

همچنین درباره آگاهی از افعال زشت و گناهان و پرده‌پوشی بر آنها می‌فرماید: «خدایا ستایش ویژه توست بر خطاپوشی‌ات با آن که می‌دانی، و بر عافیت بخشیت با آن که آگاهی؛ چرا که هر یک ما دامن خویش را به ننگ گناه آلوده است و تورا سواش نکرده‌ای؛ چه بسیار ناپسندی که نهی فرمودی، بجا آوردیم ... با این که تو بر آنها آگاه بودی، اما بینندگان دیگر نمی‌دیدند.» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۵۷).

قریب به این مضمون در فراز دیگری از همین دعا نیز آمده است (رک به صفحیه سجادیه، همان، ص ۴۰۱).

درباره آگاهی خداوند از افعال انسان‌ها اعم از خوب و بد در قرآن کریم آمده است که:

«...إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره / ۲۳۷) و نیز (همان / ۲۳۳).

«...إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران / ۱۲۰).

«...وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء / ۱۷).

«إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حجرات / ۱۸).

«... وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ...» (ممتحنه / ۱).

آیات فراوان دیگری که هر کدام به نوبه خود به علم و آگاهی فراگیر خداوند به اعمال انسان‌ها اعم از نیک و بد، ریز و درشت، یا مخفی و آشکار و غیره اشاره دارند. امام (ع) هم در لابه‌لای ادعیه خود، به این مورد توجه داشته و گوشه‌ای از آنها را برای توجه انسان‌های عادی به حضور خداوند در زندگی انسان‌ها بیان فرموده‌اند...

۶-۳-۶- خداوند دعای انسان‌ها را می‌شنود.

امام (ع) می‌فرماید که خداوند دعای دعاکنندگان را می‌شنود و به آنها پاسخ می‌دهد «اللهم انّ... اصوات الدّاعین الیک صاعده و ابواب الإجابہ لهم مفتحة و دعوة من ناجاک مستجابہ... و الاغاثہ لمن استغاث بک موجودة...» (قمی، ۱۳۸۵، ص ۵۹۸).

در صحیفه سجاده‌ی در این باره رو به خدا کرده و می‌گوید: «تویی که در وقت در ماندگی دعایم را اجابت کردی و به هنگام در افتادن به گناه از سقوطم رهانیدی...» (همان، ۱۸۵، ص ۴۰۵).

نقل شده است که امام (ع) در بیت‌الحرام به خانه کعبه آویخته و می‌گفت: «خدایا چشم‌ها در خواب هستند و ستارگان برآمده‌اند و تو پادشاه حیّ و قیومی، تمام پادشاهان در به روی دیگران بسته‌اند و پاسبانان و دربانان بر در کاخ‌هایشان ایستاده‌اند اما در توبه روی مستمندان و گدایان باز است. اینک من آمده‌ام تا نظر لطفی بفرمایی ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان» (شریف قریشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۴؛ و نیز قیومی اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸۸؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۷، ص ۲۳۶).

سپس امام (ع) اشعاری را خواند که قسمتی از آن چنین است:

«یا من یجیبُ دعا المظطرّ فی الظلم یا کاشف الضّرّ و البلوی مع السقم». این فرمایشات

امام سجاد (ع) به طور مستقیم و گاهی غیرمستقیم اشاره به آیات متعددی دارد از جمله:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...» (نمل / ۶۲).
 «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...» (بقره / ۱۸۶)
 و در آیه الکرسی هم می‌خوانیم که: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ...» (بقره / ۲۵۵). و آیات دیگر.

۷-۳-۶- خدا دعای مظلومین و ستم‌دیدگان را می‌شنود.

آن حضرت سپس کافی بودن خداوند را به رخ ظالمان می‌کشد و می‌فرماید: «یا من لا یخفی علیه انباء المتظلمین و یا من لا یحتاج فی قصصهم الی شهادات الشّاهدین...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲). و به جهت حساسیت خاص این مسأله است که انسانها را از ظلم به دیگران و به خصوص بی‌پناهان برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «از ظلم کردن به کسی که غیر از خدا را ندارد پرهیز کنید» (فہیم کرمانی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۷).

در این باره به شکل خاص، به آیه‌ای برخورد نکردیم. ولی خداوند برای ظالمان به حقوق مردم و عده عذاب داده و می‌فرماید: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری / ۴۲).

۸-۳-۶- خدا به حرکات ریز پلک‌ها و ... آگاه است.

امام (ع) در صحیفه‌ی ثالثه درباره علم خداوند به مخفی‌ترین حرکات چشم‌ها می‌فرماید: «ای آن که از او مخفی نمی‌باشد بر هم خوردن دیده‌ها و نگاه‌های تیز چشم‌ها و آنچه در سینه‌ها پنهان است و آنچه قلب‌ها بر آن مشتمل می‌باشد، بلکه همه اینها را علم تو به شمارش در آورده است...» (صحیفه‌ی ثالثه، ص ۱۹۶؛ به نقل از قیومی اصفهانی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۷۳۳).

و یا «یا من یعلمُ خائنه الأعین و ما تخفی الصدور... و قد تری مکانی و تسمع کلامی و تعلم حاجتی...» (المزار الکبیر، ۶۱؛ به نقل از منبع فوق). که فرمایش اخیر دقیقاً برگرفته از آیه ۱۰ سوره مبارکه غافر است.

۹-۳-۶- علم خدا به قطرات اشک‌ها و تپش قلب‌های انسان‌ها

امام (ع) می‌فرماید که خداوند به قطرات اشک و تپش قلب‌ها و لرزش اندام انسان‌ها آگاه است. «ای خدای من! قطره‌های سرشکم را که از هراس تو بر گونه‌هایم می‌غلتنند،

می‌بینی، و نیز دلم را که از بیم تو می‌تپد، و اندام‌هایم را که از هیبت و شکوه تو لرزانند...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

این فرمایش امام (ع) را شاید بتوان به نوعی از آیه زیر استنباط کرد که می‌فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ...» (مائده/ ۸۳).

از این آیه به دست می‌آید که خداوند به جاری شدن اشک انسان‌های حق‌طلب و دانشمند در مواجهه با حق، آگاه بوده و از آن تمجید می‌کند. یا در سوره توبه اشاره به این مطلب دارد که برخی از علاقه‌مندان به جهاد با دشمن پیش رسول خدا (ص) آمدند ولی پیامبر (ص) به جهت کمبود امکانات نتوانست آنها را با خود همراه کند و اینها برگشتند و در اثر اندوه، از چشمانشان اشک می‌ریخت که چرا چیزی نمی‌یابند تا در راه جهاد خرج کنند. و خداوند در آنجا این وضعیت را می‌بیند و آنان را از جهاد معاف می‌دارد (رک توبه / ۹۲).

بنابراین آنچه که امام (ع) از علم خدا به قطرات اشک‌ها آورده، به نوعی غیرمستقیم در آیات هم می‌توان برایش مصداق پیدا کرد. هر چند که اگر هم موردی پیدا نمی‌شد از باب تطبیق فروع بر کلیات می‌توانستیم این مسأله را به قطع تصدیق کنیم.

۱۰-۳-۶- علم خدا به نفاق و دورویی منافقان

امام (ع) در دعای چهل و نه از صحیفه سجادیه در این باره می‌فرماید: «و چه بسیار ستمکاری که با نیرنگ‌های خود، درباره من ستم کرده، و دام‌هایش را برای شکار من گسترده ... و چونان درنده‌ای که در کمین شکارش نشسته و در اندیشه فرصتی است تا شکارش را به چنگ آورد، در کمین من نشسته بود، و با این حال، از یک سو خوش‌رویی و چاپلوسی و چرب‌زبانی می‌نمود، و از سوی دیگر، با دلی پر کینه به من می‌نگریست. پس ای خدای من که والا و برتر از آن هستی که به وصف درآیی! چون نهان او را دیدی و از دغل‌کاری و تزویرش آگاه شدی، او را به مغز، در همان گودالی که کمین کرده بود، نگویند سارش کردی...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۳۹۴)

در قرآن کریم هم درباره منافقان و علم خداوند به احوال آنان مطالب متعددی آمده

است: از جمله بهانه‌هایی که در جنگ احد آوردند و به عللی از شرکت در آن خودداری کردند و حتی زبان به طعن کشته‌شدگان جهاد گشودند. آنجا بود که خداوند می‌فرماید: «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا...» (آل عمران / ۱۶۷) یعنی آنچه به مؤمنان رسید عامل امتحان آنان بود و همچنین خداوند می‌خواست کسانی را هم که دو رویی نمودند معلوم بدارد. و نیز در سوره منافقون پرده از چهره آنان برداشته و می‌گوید که خداوند گواهی می‌دهد که مردم دو چهره سخت دروغگویند. «... وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون / ۱).

بنابراین خداوند از همه چیز و حتی نفاق درونی انسان‌ها باخبر است.

۱۱-۳-۶- برخی ویژگی‌های علم الهی از دیدگاه امام سجاد (ع)

۱۱-۳-۶-۱- علم و رحمت خدا بر هر چیزی گسترده است.

«انت الذی وسعت کلّ شیء رحمة و علما، و انت الذی جعلت لکلّ مخلوق فی نعمک سهماً...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰)

بیان فوق اشاره به آیات زیر دارد که می‌فرماید:

- «...وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا...» (انعام / ۸۰).

- «...وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ...» (اعراف / ۱۵۶)

۱۱-۳-۶-۲- علم خدا فراموشی ندارد و همه چیز را ضبط می‌کند.

امام سجاد (ع) در اقرار به ضعف و فراموشی انسان‌ها و اعتراف به عدم فراموشکاری خداوند می‌فرماید: «خدایا بر ذمه‌ام حقوقی است از بندگان تو، که آنها را به یاد دارم و حقوقی است که آنها را از یاد برده‌ام با این حال، همه آنها در پیش چشم توست؛ چشمی که خواب نمی‌رود، و در ظرف علم توست؛ علمی که فراموشی بدان راه ندارد...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۳۰)

امام (ع) در فرمایش فوق، در واقع به طور غیرمستقیم از آیات زیر استفاده می‌کنند و به نوعی همان فرمایشات قرآن را تکرار می‌کنند که می‌فرماید: «...لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ... يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ...» (بقره / ۲۵۵).

۳-۱۱-۳-۶- علم خداوند حصولی نیست و بدون الگو و اقتباس، همه چیز را آفریده است.

آن حضرت می‌فرمایند: «و تویی خدایی که جز تو نیست، آفریننده‌ای که همه چیز را بی‌اصل و ماده آفریدی، و چهره‌ها را بی‌نمونه نگاشتی و پدیده‌ها را بی‌اقتباس و بی‌الگو پرداختی...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۷، ص ۳۴۲).

در آیات قرآن کریم در باره این که خداوند جهان را بدون ماده و ابزار و ... آفریده است می‌فرماید:

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (بقره / ۱۱۷)

۴-۱۱-۳-۶- کسی که دانشمندان در علم او حیران‌اند.

آن حضرت در مناجات معروف به انجیلیه بزرگ در این باره می‌فرمایند: «الذی حار فی علمه العلماء...» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹۴، ص ۱۵۳ به بعد؛ و نیز قیومی اصفهانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۶).

قریب به مضمون بالا شاید بتوان به آیه زیر استشهاد جست که می‌فرماید: «...إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...» (فاطر / ۲۸).

توجه به مفهوم آیه نشان می‌دهد که خشیت و ترس دانشمندان از خداوند، ترس ناشی از تعظیم و بزرگ دیدن خداست. و شاید بتوان گفت که فرمایش امام سجاد (ع) در این باره به نوعی به این مسأله مرتبط باشد.

۵-۱۱-۳-۶- خداوند عالم به غیب و شهادت است.

آن حضرت آیه الکرسی و برخی سوره‌ها را می‌خواند و به خواندن آنها سفارش می‌کرد. و در ضمن دعاهاى خود، به عالم به غیب و شهادت بودن خداوند اشاره کرده و می‌فرمود: «ذَلِكَ عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (سجده / ۶) (العروسی، ص ۵۴؛ به نقل از قیومی اصفهانی، ج ۱، ص ۷۶۰).

اینها نمونه‌هایی بود از بیانات امام (ع) درباره ویژگی‌های علم خدا و قبل از آن، مراتب علم الهی و ... که در حد توان سعی کردیم با تطبیق آن سخنان بر آیات الهی، مسأله علم الهی را از منظر امام (ع) به تصویر کشیده و در معرض توجه قرار دهیم.

نتیجه گیری

امام سجاد (ع) درباره علم خداوند به ذات خود سخن نگفته اند؛ هم چنان که در قرآن کریم نیز در این باره مطلبی نیامده است. اما در باره علم قبل و بعد از ایجاد، در مواضع مختلفی سخنان با ارزش گفته اند. آن حضرت همگام با قرآن، علم الهی را درباره مخلوقات، به نحو تام، وسیع، دقیق و خیلی عمیق دانسته اند؛ به گونه ای که هیچ امری در جهان هستی از دایره آگاهی خداوند خارج نبوده و بدون طراحی و تقدیر و قضای او پدید نیامده است. از دیدگاه امام سجاد (ع) و قرآن کریم همه مخلوقات و پدیده ها، در نزد خداوند حاضر بوده و ذره ای از آنها از خداوند غایب نمی باشد؛ او حتی به اسرار درونی انسان ها و نیات آنان، قبل از خود آنان آگاه بوده و خطورات قلبی آنان را در حساب دارد، و در ناحیه افعال انسان به مخفی ترین حرکات چشم، و دعاها و آرزوهای آنان و ... آگاه است. بیان این موارد و موارد دیگر از قرآن کریم و امام (ع) بیانگر این است که آن دو از یک حقیقت سرچشمه گرفته به یک مقصد می خوانند.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
- نهج البلاغه (۱۳۶۶)، ترجمه مصطفی زمانی، قم: انتشارات پیام اسلام، چاپ چهارم.
- صحیفه سجادیه (۱۳۸۵)، ترجمه محمد تقی خلجی، تهران: انتشارات قلم نو، چاپ سوم.
۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۶)، الالهیات من کتاب الشفاء، تحقیق آیت الله حسن زاده آملی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
 ۲. _____ (۱۳۷۰)، الهیات نجات، ترجمه و پژوهش سید یحیی یشربی، تهران: انتشارات فکر روز، چاپ اول.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، تسنیم، قم: انتشارات اسراء، چاپ اول.
 ۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (بی تا)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت: مؤسسه الرساله، بدن نوبت چاپ.
 ۵. شریف قریشی، باقر (۱۳۷۲)، تحلیلی از زندگانی امام سجاد (ع)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
 ۶. شیرازی، صدرالدین محمد (صدرا) (۱۳۶۸)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم: انتشارات مکتبه المصطفوی.
 ۷. شیخ صدوق (۱۳۶۲)، الخصال، قم: مرکز منشورات اسلامی، چاپ اول.
 ۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
 ۹. _____ (بی تا)، نهایت الحکمة، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بدون نوبت چاپ.
 ۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح، تحقیق و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی و سیدفضل الله یزدی، بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
 ۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بدون نوبت چاپ.

۱۲. فهیم کرمانی، مرتضی (۱۳۷۴)، رهبر آزادگان، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۳. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۵)، مفاتیح الجنان، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات اسوه، چاپ هشتم.
۱۴. _____ (۱۴۰۲ ق)، سفینه‌البحار، تهران: نشر فراهانی، بدون نوبت چاپ.
۱۵. قیومی اصفهانی، جواد (۱۴۱۹ ق)، ادعیه امام زین العابدین (ع)، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ ق)، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، بیروت: انتشارات دارالصعب، بدون نوبت چاپ.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحار الانوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰)، آموزش فلسفه، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم.
۱۹. هاشمی خویی، حبیب‌الله (۱۳۴۵)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم: نشر دارالعلم، بدون نوبت چاپ.